

با پرواز پنجشنبه
رفتم به تهران و
عصر روز بعدش
به سفارت کابل
رفتم. دیدم مشکل
چقدر داغ و جدی
است. از بخش‌های
مختلف دولتی
زنگ می‌زدند
به سفارت و
می‌پرسیدند ما چرا
چیست

سلام جناب آقای اسلام‌زاده. ممنون از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید. لطفاً ابتدا خودتان را معرفی کنید.

به نام خدا. با تشکر از شما که این فرصت را در اختیارم گذاشتید. محسن اسلام‌زاده هستم، مستندساز.

«میراب» یکی از مستندهایی است که شما ساخته‌اید و موضوع آن هم حق آب ایران از هیرمند و سد کمال خان و مشکلات آبی بین ایران و افغانستان است. چه شد که اصلاً به چنین سوژه‌ای پرداختید؟ پیش‌زمینه‌اش چه بود؟

ببینید، من و شما الان در مرکز فرهنگی میثاق قرار گذاشته‌ایم. میثاق در زمینه ساخت مستند در مناطق بحرانی و همچنین درباره موضوعات بحرانی فعالیت می‌کند. یکی از این موضوعات که تقریباً ده سال پیش اینجا درباره‌اش کار شد، تالاب هامون بود و دو مستند در مورد آن به کارگردانی آقای یاسر عرب ساخته شد، به نام‌های «ماهی‌ها در سکوت می‌میرند» و «ماهی‌ها در سکوت نمی‌میرند». از طرفی در اردو‌هایی که جنبش عدالت خواه دانشجویی برپا می‌کرد به آن مناطق رفته بودم و با مشکل گردوغبارش آشنا بودم؛ حتی یک بار که از زابل عزیز برمی‌گشتیم به مشهد، آن قدر هوا طوفانی و آلوده بود که همسرم حساسیت گرفت و تا به مشهد رسیدیم او را پیش دکتر بردیم. درمانی سرپایی هم انجام شد؛ در ضمن از سال ۸۳ در سیستان و بلوچستان مستند می‌سازم و با فضای سیستان غریبه نیستم. اقوام دوری هم در آنجا دارم؛ چون خانواده همسرم مدتی نسبتاً طولانی در زاهدان زندگی می‌کردند؛ پس روابط خانوادگی هم در آنجا داشته‌ام. در مجموع پیش‌زمینه‌ای ذهنی از آن منطقه دارم.

بعد از به قدرت رسیدن طالبان چند بار به افغانستان رفتم؛ چون در رسانه‌ها، مخصوصاً در سال ۱۴۰۰، همیشه بحث افغانستان هم بود. هرکسی هم که مشکلی یا موضوعی در مورد افغانستان به ذهنش می‌رسید و ارتباطی هم با من داشت، اول آن را برای من می‌فرستاد و در مورد آن می‌پرسید. یک بار به کابل رفته بودم تا چند مستند بسازم. یکی از خویشاوندانم که در صداوسیما زاهدان کار می‌کرد، برایم عکسی فرستاد و نوشت: «آب به وسیله سد کمال خان منحرف می‌شود و اینجا وضعمان خیلی خراب است.»

گفتم: «اتفاقاً الان کابل هستم و پیگیری می‌کنم.»

یادم هست با پرواز پنجشنبه رفتم به تهران و عصر روز بعدش به سفارت کابل رفتم. دیدم مشکل چقدر داغ و جدی است. از بخش‌های مختلف دولتی زنگ می‌زدند به سفارت و می‌پرسیدند ما چرا چیست.

چه زمانی؟

زمستان ۱۴۰۰.

یعنی قبل از به قدرت رسیدن طالبان؟

نه. طالبان به قدرت رسیده بود. الان حدود سه سال از این واقعه می‌گذرد. دیدم آنجا بحث داغ است و مدام پیغام می‌فرستند و تلفن می‌زنند. از سفارت که بیرون آمدم به